

مبلغان و پدیده حجابی کم

یوسف غلامی



در نگاه آنان آسان جلوه داد و به عکس، تکالیف آسان را سخت و تلخ نشان داد. اینک بر خسی زنان و دختران از رعایت پوشش کامل می پرهیزند یکی بدین علت است که می پندارند این پوشش فقط برای محدود ساختن فعالیت های ایشان و سلب نیروی اختیار و انتخاب آنان است.

در تفهیم ضرورت حجاب برای بانوان، حقیقت جز این نیست که گاه تعریف و ترسیم نامناسب حجاب خود مهم ترین سبب نپذیرفتن حجاب از سوی بانوان است. بدین منظور باید به نکات زیر توجه داشت:

الف: روان شناسان رفتارهای

چنان که در گفتار قبل گذشت پس از ناآگاهی، مهمترین عامل بی توجهی بانوان به پوشش اسلامی، سستی و تزلزل ایمان است. جز این دو امر، انحراف اخلاقی و اعتقادی، و نیز ستیز با جامعه تحقیر کننده زن، از دیگر عوامل کم حجابی ایشان یاد شد. در این نوشتار به بررسی دو عامل دیگر می پردازیم:

۱- احساس محدودیت، خشونت

و سخت گیری

از مهم ترین وظایف مبلغ و رموز موفقیت وی شناخت بهترین راه تفهیم موضوعات به مخاطبان است. بدین وسیله می توان دشوارترین وظایف را

داشتن چنین انگیزه متهم سازد، که این شیوه جوان را ناخواسته به همین انگیزه وادار خواهد ساخت.

ب: سزاوار است با درک موقعیت جوان به وی تفهیم کرد که برای کسب استقلال فکری و خودآزمایی شخصیت، شیوه‌های پسندیده‌تری نیز وجود دارد که هیچ آسیبی را برای وی و دیگری در بر ندارد. چه بهتر که از آن شیوه‌ها استفاده کند. از طرفی، هیچ‌گاه مراعات ضوابط صحیح اجتماعی در روابط زن و مرد به معنای محرومیت و محدودیت و سلب آزادی و انتخاب نیست.

سلامت زندگی ما آدمیان در هر زمینه نیازمند رعایت ضوابط اخلاقی و اصول اجتماعی است، بی‌اعتنایی به این ضوابط نه نشان رشد فرهنگی است و نه علامت استقلال و شخصیت فرد.

ج: تفهیم این نکته به والدین ضروری است که مراقبت از جوان به معنای اظهار خشونت و سخت‌گیری بی‌مورد نیست. خشونت و سخت‌گیری والدین هرگاه بدون توجه منطقی و تنها برگرفته از سلیقه پدر و مادر باشد، یکی از عواملی است

نابخردانه جوان را ناشی از دگرگونی ترشح غدد و مسمومیت روانی می‌دانند.^۱ بدین سبب مراعات بیشتر اصول مصونیت‌آور و ضوابط اخلاقی را به اشتباه عامل محدود کننده اختیارات خود می‌پندارند و امر و نهی دیگران در این باره را نوعی تجاوز به حریم خود می‌شناسند و پیوسته در بروز هر رفتار به شیوه‌ای بیمارگونه در پی اثبات هویت و نشان دادن شخصیت مستقل خویش‌اند و مهم‌ترین معیار نزد آنان حفظ استقلال فکری و بلوغ شخصیتی است.

بنابراین اگر در انتخاب نوعی لباس کم پوشش، پافشاری می‌کنند معمولاً برای فسادآفرینی یا آزرده‌سازی والدین نیست. گویا می‌خواهند به خود و دیگران بیاوراند که بزرگ شده‌اند و می‌توانند خود درباره طرز پوشیدن لباسشان تصمیم بگیرند.

در این مرحله مهم‌ترین وظیفه مربی درک موقعیت فرد و تشخیص انگیزه او است. وی نباید در نخستین قدم این رفتارها را برگرفته از خوی فسادآفرینی فرد بشناسد و او را به

سلامت زندگی ما آدمیان

در هر زمینه نیازمند رعایت

ضوابط اخلاقی

و اصول اجتماعی است

بی‌اعتنایی به این ضوابط

نه نشان رشد فرهنگی است

و نه علامت استقلال

و شخصیت فرد

که بر خلاف انتظار، روح تسلیم و سازش را در فرد به سرکشی و گستاخی مبدل می‌کند و کار تربیتی را بر والدین دشوارتر می‌سازد.

در طریق توجیه ایشان توجه دادن بدین نکته ضروری است که نباید از خردسالی به دختران تفهیم کرد که «دختر موجودی مقید، محدود و تحت سلطه است و پسر به عکس، موجودی آزاد، قدرتمند و سلطه‌گر!» این تفکر و تعریف متضاد از دختر و پسر، دختران را به کوشش تلافی‌جویانه و سرکشی وامی‌دارد. به حقیقت یکی از دشوارترین وظایف والدین و مربیان، ارائه تصویر و تفسیر صحیح از وجود

زن و مرد است.

فرزندان ما باید زن و مرد را مکمل یکدیگر بشناسند نه ضد هم. از طرفی، انتظار رعایت پاره‌ای اصول انضباطی از دختران، به معنای «آزادتر بودن پسران و محدود بودن دختران نیست.» آسیب‌پذیری دختر است که سبب می‌شود از او انتظار داشته باشند که اصول انضباطی را بیشتر مراعات کند.

۵: یادآوری این نکته به والدین ضروری است که تفاوت گذاشتن میان آزادی پسر و دختر در خانه و بیرون آن - در آن‌جا که رواست - باید با توجیه منطقی صورت گیرد. تفاوت غیرمنطقی و توجیه‌ناپذیر میان این دو سبب می‌شود دختر در جایی که میدان را برای آزادی خود گشاده‌تر می‌بیند شتابان به آن رو کند و گاه مصالح خود و خانواده‌اش را در نظر نگیرد و تنها بدین بیندیشد که هر روز بیشتر از قبل، مثل مرد شود.

۲ - انگیزه‌های سیاسی

تأثیرپذیری افراد از پدیده‌ها و کنش‌های سیاسی، امری انکارناپذیر است. به موجب این امر، فرد زمانی که به هر علت - بجای یا نابجا - با موجودیت

لجاجت و مخالفت نباید سبب شود که فرد سود و زیان خود را در نظر نیاورد و پیوسته به راهی گام بردارد که برای وی و جامعه‌اش آسیب آفرین است.

دوم: گروهی که حاکمیت سیاسی را بر عهده دارد و نیز هواداران ایشان، پیوسته باید جوانب رفتارهای خود را در نظر گیرند تا مبادا کرداری از ایشان مشاهده شود که افراد را از پذیرش عقاید صحیح نیز دور سازد و ناخواسته به پیمودن راه باطل سوق دهد.

سوم: همواره نباید میان تمامی «سیاست‌های جاری» و «دین» پیوندی قطعی برقرار دانست، به طوری که افراد بپندارند که مخالفت با هر شیوه جاری سیاسی در حقیقت نوعی مخالفت با دین است و آنگاه که با پدیده‌ای سیاسی مخالف شوند گمان کنند که برای نپذیرفتن آن پدیده، چاره‌ای جز مخالفت با فرامین دین ندارند و همین امر سبب شود که رفته رفته اعتقاد ایشان به اصول مذهبی سست گردد و راهی برای بازگشت خود نیابند. ادامه دارد

پی‌نوشت‌ها:

۱- دنیای نوجوانی دختران، علی قائمی، ص ۱۱۷.

سیاسی حاکم مخالف شود یا بخشی از عملکرد آن را نپسندد و از سویی نتواند واکنشی ستیزه جویانه پیش گیرد، مخالفت خود را در رفتارهای اجتماعی‌اش ظاهر می‌سازد و اگر حاکمیت سیاسی و اجتماعی با مذهب گرایان است، او سعی می‌کند هر چه نشان مذهب دارد از خود دور سازد و بر ضد آن، موضع‌گیری کند.

امروزه این پدیده، پوشش بانوان را نیز در بر گرفته است و گروهی از کم‌حجابان سعی دارند با بی‌توجهی به حجاب، به ارزش‌های موجود در نزد مذهب گرایان حاکم بی‌اعتنایی کنند. مردان نیز گاه به همین انگیزه سعی در کم‌حجابی همسران خود دارند، تا بدین وسیله به نوعی، رنجش خود را از طرز تفکری خاص، التیام بخشند. حقیقت آن است که به هیچ شیوه نمی‌توان از تأثیرپذیری این پدیده جلوگیری کرد، جز آن که به شیوه‌هایی می‌توان از فراگیر شدن آن کاست.

نخستین گام ثمربخش این است که به افراد تفهیم شود که آدمی نباید در ستیز با نوعی طرز تفکر، همه‌خسوبی‌های آن را نادیده انگارد.